

بعل  
در جنگل شهر  
صدای طبل در شب

نوشته بر تولت برشت

ترجمه محمود حسینی زاد



شرکت سهامی انتشارات خوارزمی

برتولت برشت

Bertolt Brecht

بعل، صدای طبل در شب، در جنگل شهر

Baal

Trommeln in der Nacht

Im Dickicht der Städte

چاپ اول: بهمن ماه ۱۳۸۰ ه. ش. - تهران

ویراستار: دکتر فرامرز بهزاد

حروفچینی: شرکت سهامی (خاص) انتشارات خوارزمی

تعداد: ۳۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

حق هر گونه چاپ و انتشار و تکثیر مخصوص شرکت سهامی (خاص)

انتشارات خوارزمی است.

شابک ۲-۰۶۰-۴۸۷-۹۶۴-۳-۰۶۰-۹۶۴-۴۸۷-۰۶۰-۳ ISBN 964-487-060-3

www.ketab.ir

فهرست

یادداشت

بعل

صدای طبل در شب

در جنگل شهر

۹

۱۳

۱۲۹

۲۴۵

## یادداشت

مدتی نشر «دوره آثار برشت» تعطیل شد. روزگار رنگ‌رنگی که در آن بسرمی‌بریم همه قصدها را در هم می‌نوردد — همتی می‌خواهد بلند در شکیبایی، که گاه کمر کوه را می‌شکنند... چه رسد قصد آدمی را. با این همه افتان و خیزان به‌راه خود می‌رویم. می‌کوشیم تا باز هم به‌نشر دیگر آثار برشت به‌روش و روال گذشته پردازیم. اما چون دوران ناپختگی جوانی را پشت سر گذاشته‌ایم، وعده نمی‌دهیم. می‌کوشیم تا به‌حد توان... به‌حد نفس، ادامه دهیم. اگر بازماندیم، دیگرانند که متعهد برداشتن این بارند.



سه نمایشنامه این مجموعه از اولین کارهای نمایشی «برشت» است: بعل، اولین نمایشنامه «برشت» آن را در ۱۹۲۲ به‌صحنه آورد؛ پس از آن صدای طبل در شب نیز در ۱۹۲۲ نمایش داده‌شد و سومی در جنگل شهر است که در سال ۱۹۲۳ به‌صحنه رفت. اهمیت این نمایشنامه‌ها در این است که در واقع دستاورد دوران گذار هنری - مسلکی «برشت» است. پس از این دوره به‌جنبش چپ آلمان روی آورد و از نظر ساختار به «تئاتر داستانی»<sup>۱</sup>.

---

۱. Das epische Theater. درباره تئاتر داستانی رجوع کنید به درباره تئاتر ترجمه

فرامرز بهزاد، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۸ ه. ش. - تهران، ص. ص. ۱۳۰ به بعد.

بعل، سرگذشت شاعر جوانی است با زندگی بی‌بندوبار، تا از فناشدن استعدادش در تار و پود جامعه سرمایه‌داری جلوگیری کند. بعل موجودی است که بی‌دغدغه از لذت‌های دنیایی بهره می‌جوید و چون به‌سیری و اشباع می‌رسد، مرگ را برمی‌گزیند.

به‌نظر «برشت»، آنها که دیالکتیک را در نمی‌یابند، درک بعل برایشان مشکل است. در چشم آنها این نمایشنامه تنها ستایش «خودسنائی» است، ولی خود این، علیه دنیایی است که فقط به‌استثمار نیرو می‌اندیشد، نه استفاده از آن.

شخصیت بعل برگرفته از کسی است به‌نام «یوزف‌کا» که قبل از جنگ جهانی اول در شهر آگسبورگ<sup>۱</sup> - زادگاه «برشت» - زندگی می‌کرد. «یوزف» فرزند نامشروع زنی رختشو بود، بی‌هیچ بهره از تحصیلات، و آداب و رسوم اجتماعی، با این همه رفتار و طرز بیانش تأثیری عمیق بر تحصیلکرده‌ها و روشنفکران می‌گذاشت.



در سال ۱۹۱۹ انقلاب حزب «اسپارتاکوس» شکست خورد و «برشت» به تأثیر آن، نمایشنامه «اسپارتاکوس» را نوشت. در آن زمان «لئون فویشت و انگری»، نویسندهٔ پرآوازه، مدیر تئاتر کامرشپیل<sup>۲</sup> در مونیخ بود. «برشت» نمایشنامهٔ خود را به‌او داد. پس از تجدیدنظرهایی چند، نمایشنامهٔ صدای طبل در شب به‌صحنه آمد. فضای نمایشنامه، از سویی در محیط نوکیسه‌ها و کسانی می‌گذرد که به‌برکت جنگ به‌مال و منال رسیده‌اند؛ و از سوی دیگر در میان توده‌های انقلابی.

در دربارهٔ تئاتر «برشت» می‌نویسد:

«تمام کسانی که با شور و شوق با من دست می‌دادند، همان کسانی بودند

1. Augsburg

2. Lion Feuchtwanger

3. Kammerspiele

که می‌خواستیم توی سرشان بزیم، شاید نه با این نمایشنامه، بلکه اصولاً. به‌گمانم راه را اشتباه رفته بودم.<sup>۱</sup>

\*

یکی، دو سال بعد، «برشت» مدیر هنری و کارگردان تئاتر کامرشپیله مونیخ شد. عوامل متعددی باعث شد تا «برشت» به‌نوشتن در جنگل شهر بپردازد: - دیدن اجزایی از نمایشنامه راهزنان اثر «سیلر» در برلین که در آن «توحش» مبارزه، جلب نظرش را کرده بود... - اجرایی از اتلو که «برشت» تحت تأثیر نورپردازی آن، خاصه بازی با نور متقاطع قرار گرفته بود... - ورزش بوکس که «برشت» از ۱۹۳۰ به آن علاقه‌مند شده بود... - خواندن تاپستانی در دوزخ اثر رمبو... - مطالعه چرخ اثر یسنس<sup>۲</sup> که محل وقوع داستان در شیکاگو است... - عاقبت یکشنبه بازارهای حومه شهر آگسبورگ با ازدحام و کشمکشهای خاص خود.

«برشت» تصمیم می‌گیرد که درباره نفس مبارزه بنویسد، مبارزه‌ای بی‌هیچ علت، و فقط با این هدف که فرد برتر، نشان داده‌شود! در طول نگارش این اثر، «برشت» پی‌می‌برد که نمایش مبارزه‌ای بی‌علت، تا چه اندازه مشکل است. به‌همین سبب نمایشنامه کم‌کم به بیان دشواریهای این مبارزه مبدل می‌شود. داستان، مبارزه بی‌دلیل بازرگانی ثروتمند است با کارمند کتابفروشی در شیکاگو، قبل از جنگ جهانی اول.

مبارزه، شکل آرمانی مبارزات طبقاتی است و نمایانگر این واقعیت، که در

1. Bertolt Brecht: Gesammelte Werke in 20 Bänden. Bd. 15-17: Schriften zum Theater. Hrsg. v. Suhrkamp Verlag in Zusammenarbeit mit Elizabeth Hauptmann. Frankfurt am Main: Suhrkamp 1967. p. 962.

2. Johannes Vilhelm Jensen نویسنده و شاعر دانمارکی، برنده جایزه نوبل

«جنگل» کلان‌شهر سرمایه‌داری، نزدیکی آدمیان به یکدیگر، ناممکن است.

\*

دریازهٔ این سه نمایشنامه «برشت» بعدها نوشت:

«دانش سیاسی من در آن روزگار به طرز شرم‌آوری اندک بود. ولی به نابرابری عظیم زندگی اجتماعی انسانها آگاهی داشتم، معذالک وظیفهٔ خود نمی‌دانستم تا این ناهماهنگی را سر و سامانی بدهم. این موارد را در نمایشنامه‌ها و شعرهایم منعکس می‌کردم، و آن هم حتی بیشتر از آنکه ماهیت واقعی و ریشه‌های این ناهماهنگی را درست دریابم.»<sup>۱</sup>

۱. مجموعه آثار (که در باورفی صفحهٔ قبل آمده‌است) ص. ۹۴۶.